

نشانه های عاقل بر مبنای روایات کتاب العقل و الجهل کافی

مریم هادی سیچانی^۱

چکیده

در آموزه‌های اسلامی، عقل از برترین نعمت‌های الهی دانسته شده و به عنوان وجه تمایز انسان از سایر مخلوقات معرفی شده است. قرآن کریم بارها بر لزوم تعقل و تدبیر تأکید کرده و جایگاه عقل را در هدایت بشر، تشخیص حقیقت، و انتخاب مسیر صحیح روشن ساخته است. بر همین اساس، در روایات اهل بیت (علیهم السلام)، عقل نه تنها ابزاری برای درک و تحلیل مسائل دینی و دنیوی معرفی شده، بلکه به عنوان معیار سنجش ایمان و شخصیت انسان نیز در نظر گرفته شده است. عاقل کسی است که با بهره‌گیری از نیروی تفکر و استدلال، حق را از باطل تشخیص داده، در مسیر درست گام بردارد، و نه تنها خود را به کمال برساند، بلکه دیگران را نیز در مسیر هدایت یاری کند. در مقابل، جاهل فردی است که از نیروی تعقل بی‌بهره است یا از آن استفاده نمی‌کند، و به دلیل ناآگاهی و نادانی، به خطا رفته و دیگران را نیز به گمراهی می‌کشاند. به همین خاطر هدف از مقاله حاضر درک صحیح از مفهوم «عاقل» و ویژگی‌های او است، تا بتوانیم زندگی خود را بر پایه شناخت و بینش صحیح بنا کنیم و در مسیر کمال و هدایت گام برداریم. همچنین این مقاله درصدد پاسخ به این سوال اصلی است که ویژگی‌های انسان عاقل با توجه به آیات و روایات چیست؟ نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که شناخت صحیح مفهوم «عاقل» و ویژگی‌های او، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد. عاقل نه تنها خود به سعادت و کمال می‌رسد، بلکه اطرافیان خود را نیز به مسیر صحیح هدایت می‌کند.

کلیدواژه: عاقل، عقل، جهل، الکافی.

^۱ . سطح دو، حوزه علمیه فاطمه محدثه (سلام الله علیها) m.hadi1359@gmail.com

عقل از دیرباز یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد بحث در فلسفه، دین، و اخلاق بوده است. در سنت اسلامی، عقل جایگاهی برجسته دارد و به‌عنوان ملاک تمایز انسان از سایر مخلوقات شناخته می‌شود. درک و به‌کارگیری صحیح آن نه تنها یکی از شروط اساسی برای هدایت و سعادت انسان محسوب می‌شود، بلکه معیار اصلی در تعیین ارزش اعمال و رفتارهای انسان در نظام دینی اسلام به شمار می‌آید. عقل در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان ابزاری برای شناخت حقیقت، انتخاب مسیر درست، و درک ماهیت خیر و شر معرفی شده است. بر این اساس، بهره‌گیری صحیح از عقل، انسان را به کمال و رستگاری رهنمون می‌سازد، درحالی‌که بی‌توجهی به آن موجب انحطاط فرد و جامعه خواهد شد. قرآن کریم بارها انسان را به تعقل و تفکر دعوت کرده و خردورزی را یکی از ویژگی‌های اصلی افراد مؤمن دانسته است. آیاتی همچون: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (سوره زمر، آیه ۲۱) و «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (سوره رعد، آیه ۱۹)؛ به وضوح نشان می‌دهند که تنها صاحبان خرد از آیات الهی پند می‌گیرند و در مسیر هدایت گام برمی‌دارند. در واقع، قرآن کریم عقل را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای درک حقیقت و تشخیص درست از نادرست معرفی کرده و بر لزوم بهره‌گیری از آن در تمام شئون زندگی تأکید نموده است. علاوه بر آیات قرآنی، در احادیث نبوی و روایات اهل بیت (علیه السلام) نیز تأکید فراوانی بر اهمیت عقل و ویژگی‌های فرد عاقل شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه) آمده است: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ، فَقَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ، فَقَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّكَ، بَكَ أَخَذْتُ، وَبَكَ أَعْطَيْتِي، وَبَكَ أَعَاقِبْتُ، وَبَكَ أُثِيبُ»؛ یعنی «نخستین چیزی که خداوند آفرید، عقل بود. سپس به آن فرمود: پیش آی! و عقل پیش آمد. دوباره به آن فرمود: بازگرد! و عقل بازگشت. آنگاه خداوند فرمود: به عزت و جلالم سوگند، هیچ آفریده‌ای برتر از تو نیافریده‌ام؛ به واسطه تو پاداش می‌دهم، به واسطه تو مجازات می‌کنم، به واسطه تو عطا می‌کنم و به واسطه تو باز می‌ستانم». (الکافی، ج ۱، ص ۱۰). این حدیث نشان‌دهنده جایگاه بنیادین عقل در نظام خلقت و اهمیت آن در هدایت و رشد انسان است.

محمد بن یعقوب کلینی در الکافی با گردآوری روایات مرتبط با عقل و جهل، تلاش کرده است تا تصویری جامع از ویژگی‌های فرد عاقل و تأثیر عقل در زندگی انسان ارائه دهد. احادیث نقل شده در این کتاب، نه تنها به تعریف دقیق «عاقل» می‌پردازند، بلکه ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری، و اجتماعی او را نیز مشخص می‌کنند.

شناخت و تبیین این معیارها برای فهم صحیح‌تر آموزه‌های دینی و هدایت انسان در مسیر درست ضروری است. بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، ریشه در عدم شناخت معیارهای عقلانیت دارد. از این رو، مطالعه

دقیق دیدگاه قرآن و روایات اسلامی درباره عقل و عاقل، می‌تواند به ما در شناخت بهتر مسیر صحیح زندگی و تصمیم‌گیری‌های درست کمک کند.

در مورد مسأله عاقل و ویژگی‌های او منابع بسیاری وجود دارد؛ اما مرجع اصلی که در این مقاله از آن بهره برده شده است کتاب الکافی می‌باشد. علاوه بر کتاب نام برده از منابع دیگری استفاده شده است که به شرح زیر می‌باشد:

۱. بنی هاشمی (۱۳۳۹)، در بخش اول کتابی تحت عنوان «کتاب عقل» به طور کلی به تعریف و مفهوم علم و عقل پرداخته و در بخش دوم و سوم نیز این دو مفهوم را به طور مفصل‌تر مورد بررسی قرار داده است و در نهایت در فصل ۴ شواهد قرآنی بر معنای انفعالی عقل را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در مقاله خود با توجه به موضوع آن برای بیان تعاریف و استناد به آیات و روایات از کتاب فوق بهره جسته است.

۲. مولف علاءالدین ملک اف (۱۳۹۰) در کتاب «عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدرالمتهلین شیرازی و ایمانوئل کانت»؛ همانطور که از عنوان کتاب مشخص است به بررسی رابطه عقل و ایمان از منظر ابن رشد، صدرالمتهلین شیرازی و ایمانوئل کانت پرداخته است. مطالعه این کتاب از جهت آشنایی با تفکر و اندیشه این سه عالم به خصوص در مقام مقایسه بسیار جالب و خواندنی است. نویسنده گرچه در این مقاله تنها درصدد بررسی ویژگی‌های عاقل از دیدگاه کتاب الکافیست، در مسیر مطالعات خود، کتاب فوق را بسیار جذاب و عمیق یافته است.

۳. شیخ الاسلامی تویسرکانی (۱۳۸۴) در کتابی تحت عنوان «گفتار امیر المومنین علی (علیه السلام)» به جمع آوری احادیث امیرالمومنین (علیه السلام) پرداخت و به ترتیب حروف الفبا آنها را مرتب ساخته است و از جهت ترتیبی که در آن ایجاد شده است، جستجوی احادیث در آن بسیار ساده است و کار محققین را آسان‌تر می‌کند. محقق در مقاله خود برای استناد به احادیث امیرالمومنین از کتاب فوق استفاده کرده است.

سوال اصلی در این مقاله این است که ویژگی‌های انسان عاقل با توجه به آیات و روایات چیست؟ و برای پاسخ به این سوال بعد از تعریف لغوی و اصطلاحی «عقل» بر اساس منابع اسلامی؛ به بیان نقش عقل در هدایت انسان پرداخته است. پس از بررسی رابطه قرآن، حدیث و کتاب الکافی در تعریف عقل و ویژگی‌های عاقل به مواردی از جمله معیارها و ضرورت‌های شناخت عاقل، فواید شناخت عاقل پرداخته و در نهایت ویژگی‌های عاقل بر اساس قرآن، حدیث، و کتاب الکافی را برشمرده است. تشخیص افراد عاقل نه تنها در زندگی فردی،

بلکه در انتخاب رهبران، دوستان، و الگوهای رفتاری اهمیت ویژه‌ای دارد. این شناخت، ما را از خطرات ناشی از جهل و نادانی حفظ کرده و به مسیر درست هدایت می‌کند.

تعریف لغوی و اصطلاحی عقل

کلمه عقل در زبان عربی از ریشه «ع-ق-ل» گرفته شده که در لغت به معنای بستن، مهار کردن و نگه‌داشتن است. این واژه از آن جهت برای نیروی تفکر و اندیشه به کار رفته که عقل، انسان را از ارتکاب اعمال نادرست باز می‌دارد و او را در مسیر صحیح هدایت می‌کند. در اصطلاح، عقل نیرویی درونی است که انسان را قادر به تشخیص حق از باطل، خیر از شر، و درست از نادرست می‌سازد.

القاموس العصري، «عَقَلَ» را به معنای «رَبَطَ» دانسته است. پس «عَقَلَ» نیز همچون «رَبَطَ» به مفهوم بستن است. زمانی که کسی شتری را می‌بندد عرب گوید: (عَقَلَ البعير)^۱
اقرب الموارد، «عقال» را وسیله بستن معرفی می‌کند.^۲ نتیجه آن که عقل نوعی حبس کردن و محدود نمودن است.

معجم مقاییس اللغة: «الْعَقْلُ الْحَابِسُ عَنْ ذَمِيمِ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ»^۳ عقل، مانع از گفتار و کردار ناپسند است. «السان العرب»: «الْعَقْلُ: الْحِجْرُ وَ النَّهْيُ ، ضِدُّ الْحُمُقِ»^۴ «حجر» یعنی حرمت و محدودیت. به همین خاطر آن را که ممنوع التصرف است و به بیان دیگر تصرف بر او حرام گشته است؛ اصطلاحاً محجور می‌نامند «نهی» نیز از نهی به معنی «بازداشتن» مشتق شده است. علاوه بر این حُمُق یا حماقت نیز در مقابل عقل جای دارد.
بر اساس این سخنان عقل نوعی حبس و ممنوعیت برای انسان است. انسان در هنگام عاقل بودنش انجام پاره‌ای اعمال را ممنوع می‌یابد. این وجدان به خاطر آن است که عقل نوعی ادراک و فهمیدن است. شخص خود را مجاز به انجام اعمال ناشایست نمی‌داند زیرا که زشتی آن را می‌فهمد بنابراین فهم و ادراک عقلانی انسان را از لاقیدی خارج می‌کند و به بند تقید می‌کشد. در مقابل، برای کسی که فاقد این فهم است چنین

^۱ . الیاس انطون، القاموس العصري، ص ۴۵۰.

^۲ . الشرتونی، اقرب الموارد، ص ۸۱۲.

^۳ . ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۶۹.

^۴ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

محدودیتی معنا ندارد او از هر قید و بندی آزاد است چون آن چه را که عاقل می فهمد او نمی فهمد از این عدم فهم، به حمق یا حماقت تعبیر می شود.^۱

عقل در قرآن کریم

قرآن کریم بارها به اهمیت تعقل و تفکر اشاره کرده است و انسان‌ها را به بهره‌گیری از عقل دعوت نموده است. در بسیاری از آیات، عقل به عنوان ابزار شناخت حقیقت و وسیله‌ای برای هدایت معرفی شده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

«إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۲ بی‌گمان در این (آیات الهی) نشانه‌هایی برای مردمی که عقل خود را به کار می‌گیرند، وجود دارد».

«أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۳ آیا نمی‌اندیشید؟»

این آیات به وضوح نشان می‌دهند که انسان برای درک نشانه‌های الهی، باید از عقل خود استفاده کند و بدون آن، شناخت صحیح ممکن نخواهد بود.

عقل در احادیث اسلامی

در احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، عقل جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان یکی از برترین نعمت‌های الهی معرفی شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه) آمده است: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ»^۴ خداوند چیزی برتر از عقل به بندگانش عطا نکرده است».

امام علی (علیه السلام) نیز درباره عقل می‌فرمایند: «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ»^۵ عقل، فرستاده حق است».

این روایت نشان‌دهنده آن است که عقل وسیله‌ای برای درک حقیقت و دریافت پیام‌های الهی است.

۱. بنی هاشمی، کتاب عقل، صص ۹۰ و ۹۱.

۲. نحل: ۱۲.

۳. بقره: ۴۴.

۴. الکلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰.

۵. تمیمی الآمدی، غررالحکم، حدیث ۴۵۰۳.

۸. عاقبت اندیشی

در روایات اسلامی، عاقل به عنوان فردی معرفی شده است که آینده نگر است و در کارهای خود تفکر و تدبیر دارد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «الْعَاقِلُ مَنْ تَدَبَّرَ فِي الْعَوَاقِبِ»^۱ عاقل کسی است که در سرانجام کارها بیندیشد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «عاقل کسی است که پیش از اقدام به هر کاری، به نتیجه و عاقبت آن بیندیشد»^۲.

این ویژگی سبب می شود که فرد عاقل از تصمیم های نادرست و زیان آور پرهیز کرده و در زندگی خود موفق تر باشد.

۹. عقل به عنوان معیار سنجش انسان ها

در کتاب الکافی، عقل به عنوان معیاری برای سنجش ارزش و جایگاه انسان در جامعه و نزد خداوند معرفی شده است. هر چه فرد از عقل و خرد بیشتری برخوردار باشد، موقعیت او در زندگی دینی و اجتماعی برتر خواهد بود.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّمَا يُدَارُ أَمْرُ النَّاسِ عَلَى الْعَقْلِ؛ امور مردم بر اساس عقل آنان اداره می شود». این حدیث نشان می دهد که عقل نه تنها جنبه فردی دارد، بلکه در مدیریت امور اجتماعی نیز نقشی حیاتی ایفا می کند.

همچنین، امام صادق (علیه السلام) در حدیث دیگری فرمودند: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ، وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ هر که خردمند باشد، دیندار است و آنکه دیندار است، وارد بهشت شود»^۳.

این حدیث تأکید دارد که دین داری حقیقی بدون عقل ممکن نیست، زیرا فرد دیندار باید بتواند میان حق و باطل تمایز قائل شود و این کار تنها با نیروی عقل امکان پذیر است.

^۱ . نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

^۲ . الکلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰، ح ۲۵.

^۳ . همان، ص ۱۱، ح ۶.

۱۰. اطاعت از خدا و پیامبر (صلی الله علیه) به عنوان نشانه عقلانیت

در روایات اسلامی، اطاعت از خداوند و رسول او به عنوان یکی از معیارهای عقل معرفی شده است. فردی که از اوامر الهی پیروی می کند، خردمند شناخته می شود، حتی اگر ظاهر او از دیدگاه مردم زیبا و جذاب نباشد.

رسول الله (صلی الله علیه) می فرمایند: «إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَإِنْ كَانَ ذَمِيمَ الْمَنْظَرِ حَقِيرَ الْخَطَرِ؛ خردمند، کسی است که خداوند را اطاعت کند، گرچه زشت چهره و دارای موقعیتی پایین باشد».^۱ این حدیث نشان می دهد که معیار اصلی در سنجش عقلانیت، تبعیت از احکام الهی و عمل به شریعت است، نه مسائل ظاهری و دنیوی.

۱۱. خودشناسی و شناخت جایگاه خویش

یکی از ویژگی های فرد عاقل که در الکافی بر آن تأکید شده، خودشناسی و درک جایگاه خویش است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَرَفَتْ قَدْرَهُ؛ خداوند کسی را رحمت کند که جایگاه خود را بشناسد».^۲

این حدیث بیانگر آن است که فرد عاقل به توانایی ها و محدودیت های خود آگاه است و از ورود به مسائلی که از عهده او خارج است، خودداری می کند. خودشناسی همچنین به معنای درک نقاط ضعف و تلاش برای بهبود آن هاست.

۱۲. دوری از سفاهت و نادانی

یکی از نشانه های فرد خردمند، پرهیز از رفتارهای ناپسند، سخنان بیهوده و همنشینی با افراد جاهل است. در روایات، سفاهت به عنوان نشانه ای از نبود عقل معرفی شده است.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «لَا عَقْلَ لِمَنْ لَا أَدَبَ لَهُ؛ کسی که ادب ندارد، عقل ندارد».^۳ این حدیث نشان می دهد که ادب و رفتار سنجیده، بخشی از عقلانیت است و فرد عاقل باید در رفتار و گفتار خود دقت کند.

^۱ . مجلسی، بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۳۹.

^۲ . تمیمی الآمدی، غرر الحکم، ج ۱، ح ۵۲۰۴.

^۳ . همان، ج ۶، ص ۴۰۰، ح ۱۰۷۶۹.

۱۳. مدیریت زبان و پرهیز از سخنان بیهوده

فرد عاقل در گفتار خود سنجیده عمل کرده و از سخنان بیهوده و بی‌ارزش اجتناب می‌کند. در الکافی آمده است:

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ زمانی که عقل کامل شود، سخن کاهش می‌یابد». همچنین می‌فرماید: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان خردمند، در پس دل اوست و دل نابخرد، در پس زبان او».^۲

این احادیث نشان می‌دهند که عاقل پیش از سخن گفتن فکر می‌کند و تنها زمانی که لازم باشد، صحبت می‌کند.

۱۴. قدرت کنترل احساسات و خشم

کنترل احساسات، به‌ویژه خشم، یکی از نشانه‌های مهم عقل است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ، وَ إِذَا رَغِبَ، وَ إِذَا رَهَبَ؛ خردمند کسی است که هر گاه خشم یا خواهش و ترسی در او به وجود آمد خویش‌تندار باشد».^۳

فرد عاقل هنگام عصبانیت تصمیم‌های عجولانه نمی‌گیرد و احساسات خود را تحت کنترل دارد.

آنچه بیان شد مختصری از ویژگی فرد عاقل و اهمیت شناخت شخص عاقل با توجه به قرآن کریم و احادیث و با محوریت کتاب الکافی بوده است. توجه به موارد فوق در جهت پیشبرد اهداف زندگی با معیارهای اسلامی و همچنین شناخت و همنشینی با افراد مورد تأیید در اسلام بسیار مؤثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۳۴.

۲. نهج البلاغة، الحکمة ۴۰.

۳. تمیمی الآمدی، غرر الحکم، ح ۲۰۱۵.

موضوع عقل و ویژگی‌های فرد عاقل، یکی از اساسی‌ترین مباحث در متون اسلامی، به‌ویژه در کتاب الکافی است. این مفهوم نه‌تنها در تعیین ارزش و جایگاه فرد در جامعه اهمیت دارد، بلکه نقش کلیدی در هدایت انسان به‌سوی سعادت دنیوی و اخروی ایفا می‌کند. بررسی احادیث و آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که عقل، محور اساسی شناخت، تصمیم‌گیری و هدایت زندگی فردی و اجتماعی است.

شناخت عاقل، یعنی درک و تشخیص فردی که دارای حکمت، تدبر و بصیرت است و می‌تواند خیر را از شر، و حق را از باطل تمیز دهد. این شناخت، نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز اهمیت دارد. یک جامعه که قادر باشد افراد عاقل را از جاهلان تفکیک کند، از آسیب‌های ناشی از جهل و نادانی در امان خواهد بود. در مقابل، ناتوانی در شناخت عاقل و جاهل، منجر به تصمیمات نادرست، انحرافات اجتماعی و سقوط ارزش‌های انسانی خواهد شد.

بر اساس آموزه‌های قرآنی و حدیثی، فرد عاقل کسی است که خداوند را اطاعت می‌کند، در تصمیم‌گیری‌های خود از عقل بهره می‌برد، و در روابط اجتماعی خود از منطق، حکمت و تدبر استفاده می‌کند. شناخت چنین فردی، به ما کمک می‌کند تا راهنمایان درستی برای زندگی خود برگزینیم و از دام جهل و نادانی دور بمانیم. از سوی دیگر، شناخت و پرهیز از جاهلان، موجب می‌شود که از تصمیمات اشتباه، فریب‌خوردگی و انحراف در زندگی مصون بمانیم.

بنابراین، شناخت معیارهای عقل و ویژگی‌های فرد عاقل، نه‌تنها به رشد فردی و اخلاقی ما کمک می‌کند، بلکه در ساختن جامعه‌ای سالم، عادلانه و پیشرفته نیز نقشی کلیدی دارد. آموزه‌های اسلامی بر این تأکید دارند که عقل، هدیه‌ای الهی است که انسان باید آن را تقویت کند و بر اساس آن، مسیر زندگی خود را تنظیم نماید. در نهایت، این شناخت ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که هر چه در تصمیمات و انتخاب‌های خود بیشتر بر عقل و درایت تکیه کنیم، به سعادت و کمال بیشتری خواهیم رسید.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ م.
۲. برنجکار، رضا، روش شناسی علم کلام: اصول استنباط و دفاع در عقاید، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر: انجمن کلام اسلامی حوزه ، ۱۳۹۱ ش.
۳. بن فارس بن زکریا، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. بنی هاشمی، محمد، کتاب عقل، تهران: نبا، ۱۳۸۵ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱ و ۶، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸ ش.
۶. رضوانی، علی اکبر، معیارهای پذیرش اعمال، نشر : اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۵ ش.
۷. الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۳۷۴ ش.
۸. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، خردگرایی در قرآن و حدیث، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. _____ ، _____ ، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۶، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. الیاس انطون، القاموس العصری، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.